**جلسه نود و هشتم: ۱۹/۲/۱۳۹۵**

راجع به شیاع بحث است که آیا تواتر است یا استفاضه است ؟ به عبارت دیگر شیاع مطابق با نقل تواتری است؟ یعنی به حدی نقل شود که مفید علم باشد یا شیاع نقل تواتری نیست بلکه مفید استفاضه است ولو به حد تواتر نرسیده باشد ؟

اگر شیاع مفید علم باشد با تواتر یکی است زیرا تواتر آن است که جمعی خبر به چیزی می­دهند که عرفا و عادتا محال است این همه مردم بر روی یک خبر دروغ توافق کرده باشند.

اما شیاع ظنی مساوی با استفاضه است لذا صاحب جواهر می­فرماید ؛ شیاع بمعنی استفاضه است.

 باید بحث شود که آیا شیاع تواتر است یا استفاضه است؟

در مسئله دو قول است.

**قول اول:** شیاع همان تواتر[[1]](#footnote-1) است( مفید علم است) علامه حلیّ به این قول معتقد است لذا می­فرماید: **لأنه نوع تواتر یفید العلم[[2]](#footnote-2)**

 **قول دوم:** صاحب جواهر می­فرماید: شیاع بمعنی استفاضه[[3]](#footnote-3) است ( لاستفاضهِ التی تسم الشیاع الذی یحصل غالبا منه سکون النفس و اطمینانها بمضمونه ... ازآنجا که بطور مستفیض و فراوان نقل می­شود نام او را شیاع می­گزارند که غالبا از شیاع آرامش نفس و اطمینان نفس حاصل می­شود.

**نظر استاد:** به نظر ما باید تفصیل دارد و گفت:

 اگر شیاع مفید علم باشد با تواتر یکی است و اگر مفید ظن باشد با استفاضه یکی است .

البته مراد ما از ظن، مطلق ظنون نیست بلکه ظنی است که به واسطه آن آرامشی به انسان دست بدهد.

**بحث دوم:** ادله حجیَّت شیاع ظنیّ چیست؟

**دلیل اول:** فحوای حجیَّت بیّنه است.

**توضیح:** شهید ثانی در مسالک الافهام ج ۲ ص ۳۲۷ می­نویسد: مراد از فحوا مفهوم موافقت است به این بیان که حجیَّت شهادت دو شاهد منصوص و قطعی است همچنین ظنی که از این شهادت بدست می­آید قطعا معتبر است و ما می­دانیم ظن حاصل از شیاع بیش از ظن حاصل از شهادت دو شاهد است لذا وقتی ظن حاصل از بیّنه حجّت است بطریق اولی شیاع ظنی هم حجیَّت دارد.

محقق کرکی همین عبارت را به این بیان مطرح کرده است:

لأن الظن القوی مبلغا یقرب من العلم لیس عدواً من الظن الحاصل بشهاده العدلین إن لم یکن اقوی ...[[4]](#footnote-4)

ظن قوی که به حد علم برسد کمتر از ظن حاصل از شهادت دو عادل نیست اگر اقوی از شهادت دو عادل نباشد. یعنی وقتی شهادت دو عادل معتبر است در نتیجه شیاع ظنی به طریق اولی معتبر است زیرا اگر نگوییم ظن حاصل از شیاع قوی تر از ظن حاصل از شهادت عدلین است کمتر از آن نیست.

**اشکال:**

**اولاً** مفهوم موافقت در جای است که تحدید باشد مثلا می­گوید اعتق رقبه مومنه مفهوم مخالف این است که عتق رقبه کافره عتق محسوب نمی­شود.

آیا بیّنه تحدید به دو تا شاهد است؟ باید اثبات شود. کار تحدید تقیید است آیا بیّنه مقیَّد به دو نفر است؟ در حالی که ما می­بینیم شهادت قابله بر حیات یا مرگ نوزاد در هنگام تولُّد بیّنه است و یا در حد زنا چهار نفر شهادت بدهند بیّنه حساب می­شود یا در مال گم شده ای یک مرد شهادت بدهد به اینکه مال فلانی است بیّنه است پس مفهوم موافقت در جای است که تحدید باشد در حالی که این جا تحدید نیست.

شاید صاحب جواهر به همین دلیل فرمود: اگر شیاع مفید ظن باشد کان المتجِّه عدم الإجتزاء به... وجه نیکو این است که به این شیاع اکتفا نشود[[5]](#footnote-5)

**ثانیاً** نباید شیاع را به بیّنه قیاس کرد زیرا ظن حاصل از بیّنه منصوص است که شرعا معتبر و حجّه است و لکن ظن حاصل از شیاع منصوص نیست روایتی نداریم که شیاع ظنی حجّه است.

**سوال:** منصوصیَّت چه نقشی در تشکیل قیاس دارد؟

**جواب:** منصوصیَّت آن است که قاعده کلی می­دهد بگونه ای که موضوع حکم را مقیَّد و معلَّل می­کند. مثلا الخمر حرام لانه مسکر معنایش این است که المسکر حرام لذا می­توانیم بگوییم فقاع و جمیع افیون های مست کننده دیگر نیز حرام می­باشند. اگر در بحث بیّنه ملاک حجیَّت افزایش ظنون باشد مثلا در حدیث بگوید؛ ظن حاصل از بیّنه بخاطر اینکه ما را به وثوق و اطمینان می­رساند حجَّت است در این جا می­توانیم بگوییم ظن شیاعی بطریق اولی حجّت است چون ظن شیاعی بیش از ظن حاصل از شهادت دو شاهد است

**إن قلت:** شیاع ظن غالب است لذا ملاک حجیَّت دارد شاید اقوی بودن شیاع از ظن شهادت دو عادل بخاطر همین است که ظن حاصل از شیاع ظن غالب است در این صورت مفهوم موافقت کامل می­شود و حرف شهید ثانی و محقق کرکی درست می­شود.

**قلت:** مصادیق ظن غالب زیاد است یکی از مصادیق ظن غالب خبر واحد ثقه است مثل خبر زراره ، یکی از مصادیق ظن غالب سوق مسلمین است ،یکی از مصادیق ظن غالب ید است و لکن هرگز نمی­توان شیاع را ظن غالب دانست زیرا مثل خبر واحد می­شود در حالی که شیاع اخبار جماعتی است نه یک نفر لذا ما باید به دنبال منصوص باشیم که آیا نصی درباره شیاع آمده است یا خیر؟

1. ۱-الخبر المتواتر: عبارة عن اجتماع طرق متعددة للخبر الواحد يقطع من خلالها بصدور الخبر. [↑](#footnote-ref-1)
2. ۲-تذکرهُ الفقها ج ۱ ص ۲۷۱ باب روئیت هلال ماه رمضان. [↑](#footnote-ref-2)
3. ۳-الخبر المستفيض: ما روي بطرق لم تصل إلى درجة التواتر. و هو يفيد الاطمئنان كما عن بعض الأساتذة. [↑](#footnote-ref-3)
4. ۴-رسائل محقق کرکی تحقیق شیخ محمد حُسُن جلد ۲ ص ۱۹۷ [↑](#footnote-ref-4)
5. ۵-جواهر جلد ۱۶ صفحه ۳۵۳ [↑](#footnote-ref-5)